

## بسم الله الرحمن الرحيم<sup>۱</sup>

عرض شد که بعضی از تنبیهات در مبحث علم اجمالی و دوران امر بین متباینین یا مبحث اصل اشتغال در کتب اصولی مطرح می‌شود که در حقیقت این تنبیهات مباحث فقهی است و از باب تطبیق مطالب علم اجمالی بر مصادیق است که جایگاه اصلی آن فقه است ولی چون جمعی از محققین از اصولیین از جمله **شیخ انصاری، محقق نائینی، مرحوم امام و محقق خوئی** برخی از این تنبیهات را در اصول مطرح کرده‌اند ما با متابعت از این اعلام به دو تنبیه اشاره می‌کنیم.

**تنبیه اول:** اگر علم اجمالی تعلق گرفت به دو واجبی که مترتب بر یکدیگرند و علم اجمالی سبب تردد آن واجب شد بین چند مورد، آقایان بحث می‌کنند کیفیت امتثال علم اجمالی بعد از اینکه منجز شده، چگونه است؟

زید در بیابان می‌خواهد نماز ظهر و عصر بخواند که دو واجب مترتب بر یکدیگر است، قبله اشتباه شده بین جهات اربع و نمی‌تواند اشتباهش را برطرف کند، اینجا علم اجمالی که قبله یکی از جهات اربع است وجود دارد و منجز هم هست و احتیاط واجب است فرض این است که دو واجب مترتب بر یکدیگر هم دارد. اینجا در کیفیت امتثال این معلوم بالاجمال آقایان می‌گویند چهار طریق متصور است. طریق اول یقیناً مجزی است و مشکل را حل می‌کند. طریق دوم محل اختلاف است، طریق سوم و چهارم هم می‌گویند قطعاً باطل است و امتثال محقق نمی‌شود. ما اشاره‌ای می‌کنیم و در پایان ببینیم اصلاً ربطی به علم اجمالی دارد یا نکته در جای دیگری است؟

**طریق اول:** این طریق به اتفاق صحیح است و مسقط تکلیف هم هست، ابتدا مکلف نماز ظهر را به چهار طرف بخواند بعد از نماز ظهر علم تفصیلی پیدا می‌کند که واجب اول امتثال شده، قبله هر طرف باشد نماز ظهر را به طرف قبله خوانده است و نماز ظهر ساقط شد، نماز عصر را هم به چهار طرف می‌خواند. اینجا اطمینان دارد هم ترتیب بین ظهر و عصر رعایت شده و هم جهت قبله رعایت شده است. به آن می‌گویند امتثال تفصیلی یا امتثال قطعی که بالاجماع همه فقهاء می‌گویند مجزی است.

**طریق دوم:** نماز ظهر را به یک طرف بخواند و نماز عصر را هم به همان طرف بخواند و سایر جهات را هم به همین صورت تکرار کند شمال، جنوب، مشرق و مغرب، که به این طریق می‌گویند امتثال اجمالی یا امتثال تعلیقی به این معنا که وقتی اولین نماز عصر را می‌خواهد بخواند، یقین ندارد نماز ظهرش را قطعاً امتثال کرده است، چون احتمال می‌دهد این طرفی که نماز ظهر را خوانده قبله نباشد، لذا نماز ظهر و عصرش به این طرف یک وجوب مقدمی دارد و اگر قبله باشد نماز ظهر و عصرش به این طرف هر دو صحیح است ولی بعد از اینکه نمازهایش را به اینگونه به چهار جهت تکرار کرد، یقین دارد یکی از جهات قبله بوده است، بعد از هشت نماز یقین دارد ترتیب را رعایت کرده است و قبله را هم رعایت کرده است.

بین طریق اول و طریق دوم یک فرق است. فرق این است که در صورت اول بعد از اتمام ظهر تفصیلاً می‌داند نماز ظهر را درست خوانده است و حالا نوبت به عصر می‌رسد ولی در طریق دوم اولین نماز عصر را که شروع می‌کند یقین ندارد نماز ظهر را به جهت قبله خوانده است، بلکه بعد از اینکه چهار نماز عصر را خواند یقین دارد هم نماز ظهر را به طرف قبله خوانده و هم نماز عصر را و ترتیب رعایت شده است.

**محقق نائینی و جمعی از محققین** می‌فرمایند امتثال باید به صورت اول باشد اول چهار نماز ظهر بخواند و بعد نوبت به نماز عصر برسد و طریق دوم که امتثال تعلیقی است فائده ندارد و باطل است.

ولی جمعی از محققین مثل **محقق اصفهانی، مرحوم امام و محقق خوئی** قائلند در امتثال اجمالی در دو واجب مترتب بر یکدیگر فرق ندارد به طریق اول هم باشد امتثال محقق شده، به طریق دوم هم باشد امتثال محقق شده است. بعد از اینکه همه فقهاء اتفاق دارند که طریق سوم و طریق چهارم باطل است.

**طریق سوم:** بعضی از احتمالات ظهر را به اطراف بخواند ظهر را به طرف الف و ب بخواند و بعد نماز عصر را به چهار طرف بخواند، و بعد تدارک کند و به دو جهت نماز ظهر بخواند. روشن است که در بعضی از صور ترتیب رعایت نشده است. اگر جهت قبله، مورد اخیر باشد نماز ظهر را بعد از عصر خوانده است و ترتیب رعایت نشده و نمازش باطل است.

**طريق چهارم:** این طریق هم یقیناً باطل است نماز ظهر را به یک جهت بخواند و بعد عصر را به یک جهت دیگر بخواند اینجا هم ترتیب رعایت نشده است و چون ترتیب رعایت نشده است یا فقدان ترتیب است و یا فقدان قبله است. لذا این صورت هم باطل است.

نسبت به طریق دوم که اختلاف شده این اختلاف اصلاً ربطی به علم اجمالی ندارد که ما این تنبیه در ذیل اصل اشتغال و علم اجمالی مطرح کنیم بلکه اختلاف برمی گردد به کیفیت استنباط از ادله و اوامر باب صلات، **محقق نائینی** می فرماید از ادله صلاۀ و وجوب ترتیب بین نماز ظهر و عصر استفاده می شود که وقتی می خواهد شروع کند نماز عصر بخواند باید علم تفصیلی داشته باشد به اقامۀ نماز ظهر علی وجهه و این در صورت اول میسر و قابل تحقق است. امثال اجمالی و تعلیقی که صورت دوم بود نماز ظهر و عصر را به یک طرف بخواند، وقتی تکبیر نماز عصر را می گوید علم ندارد به امثال تفصیلی نماز ظهر. بعد از نماز عصر است که علم تفصیلی پیدا می کند، وقتی به هر چهار طرف نماز عصر تمام شد یقین دارد ترتیب رعایت شد.

**محقق نائینی در فوائد الاصول** ج ۴ ص ۱۳۹ می فرماید از ادله صلاۀ استفاده می شود وقتی می خواهد نماز عصر شروع کند باید احراز کند که نماز ظهر علی وجهه خوانده است و این فقط در طریق اول میسر است.<sup>۲</sup>

در مقابل **محقق نائینی**، جمع زیادی از اعلام این برداشت را از ادله و اوامر صلاۀ قبول ندارند. می فرمایند اوامر صلاۀ ما را دعوت می کند به ایجاد متعلق در خارج به ترتیب، یعنی فقط می گوید نمازت را به صورتی بخوان که نماز عصر بعد از نماز ظهر باشد. اما اینکه در حین عمل تفصیلاً این را بدانی از کجا؟ وقتی تکبیر نماز عصر را می گویی تفصیلاً بدانی که الان این نمازی را که می خوانی وظیفۀ ظهراً را انجام داده ای. این از ادله استفاده نمی شود. آنچه استفاده می شود در خارج نماز عصر بعد از نماز ظهر باشد. در صورت دوم وقتی چهار نماز را به چهار طرف خواند یقین دارد که نماز عصر بعد از نماز ظهر به جهت قبله واقع شده است لذا همین مقدار کافی است و این هم با طریق اول و هم با طریق دوم محقق می شود لذا متعلق امر را آورده است و تکلیف ساقط شده است.

به نظر ما هم در حقیقت همین نگاه دوم درست است ما از ادله صلاۀ جز تحقق صلاۀ در خارج مترتباً العصر علی الظهر چیز دیگری استفاده نمی کنیم چه علم به ترتیب در آغاز خواندن نماز عصر باشد و چه در پایان خواندن نماز عصر باشد، نماز عصر اول را که می خواند در واقع یا مقدمۀ علمی است اگر جهت قبله نباشد و یا امثال واقعی است اگر جهت قبله باشد.

مهم این است که این تنبیه ربطی به علم اجمالی و کیفیت تعلق علم در اطراف منجز ندارد. در کیفیت این احتیاط این ادله خاص است که باید بررسی شود لذا این تنبیه یک بحث فقهی است هر چند **مرحوم امام** و **محقق خوئی** و **محقق نائینی** در اصول به آن اشاره می کنند ولی این باید در فقه پرداخته شود.

**تنبیه دوم:** تردید گاهی در متعلق تکلیف است و گاهی تردید در خود مکلف است این هم یک نکته فقهی است که اشاره می کنیم و بحث علم اجمالی و دوران امر بین متباینین را تمام می کنیم.

<sup>۲</sup> - فوائد الاصول جلد : ۴ صفحه : ۱۳۹: «قلت : الفرق بينهما في غاية الوضوح ، فإنه عند تأخير احتمالات العصر عن جميع احتمالات الظهر يعلم حين الاتيان بكل من احتمالات العصر أن الصلاة المأتي بها واقعة عقيب الظهر الواقعي وإن كان لا يعلم بكونها عصرًا واقعا ، لاحتمال أن لا تكون إلى القبلة ، إلا أن هذا لمكان الجهل بالقبلة لا لمكان الجهل بالترتيب ، فإنه يعلم بالترتيب ووقوع كل من احتمالات العصر عقيب الظهر الواقعي حال الاشتغال بالاحتمالات ، وهذا بخلاف ما إذا أتى بكل من احتمالات الظهر والعصر عقيب الآخر فإنه حال الاشتغال بكل من احتمالات العصر غير الأخير منها لا يعلم بوقوع العصر عقيب الظهر الواقعي، للشك في وقوع الظهر المأتي بها إلى جهة القبلة ، فالمكلف حال الاشتغال بكل واحد من احتمالات العصر كما يكون جاهلاً بالقبلة يكون جاهلاً بالترتيب و وقوع العصر عقيب الظهر الواقعي، فلا يحصل الامتنال التفصيلي بالنسبة إلى كل من شرطية القبلة وشرطية الترتيب ، وبناء على اعتبار الامتنال التفصيلي و تقدم رتبته على الامتنال الاجمالي يجب تحصيل الامتنال التفصيلي بالنسبة إلى كل شرط يمكن فيه ذلك.

ولا ملازمة بين الشروط ، بحيث لو سقط اعتبار الامتنال التفصيلي في شرط لعدم إمكانه يسقط بالنسبة إلى سائر الشروط ، بل الامتنال التفصيلي يجب بأي مقدار أمكن ، وفي المقام يمكن حصول الامتنال التفصيلي بالنسبة إلى شرط الترتيب بتأخير جميع احتمالات العصر عن جميع احتمالات الظهر و إن لم يمكن تحصيله بالنسبة إلى شرطية القبلة،». فما نحن فيه نظير ما إذا تردد كل من القبلة واللباس بين أمور محصورة مع إمكان رفع التردد بالنسبة إلى اللباس ، فإنه لا إشكال في وجوب رفع التردد بالنسبة إلى اللباس تحصيلاً لامتنال التفصيلي فيه».